

## اهداف دوره‌ی متوسطه

اهداف دوره‌ی متوسطه در سه حیطه‌ی دانشی، نگرشی و مهارتی به صورت زیر تدوین شده است.

### حیطه‌ی دانشی

- آشنایی با مباحث علوم اجتماعی و کاربرد آن در تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی
- آشنایی با موضوعات و مسائل اجتماعی
- تعمیق شناخت تأثیرات متقابل فرد و جامعه
- گسترش شناخت وظیفه‌ی فرد نسبت به دیگران.

### حیطه‌ی نگرشی

- ایجاد نگرش مثبت نسبت به علوم اجتماعی و کاربرد آن در زندگی
- تقویت روحیه‌ی پژوهشگری
- تقویت و تعمیق گرایش مثبت نسبت به ارزش‌های مطلوب در جامعه.

### حیطه‌ی مهارتی

- کسب توانایی کاربرد مفاهیم علوم اجتماعی در زندگی اجتماعی
- کسب توانایی در تجزیه و تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی
- کسب توانایی انجام دادن تحقیقات ساده
- تقویت مهارت‌های اجتماعی (ایجاد رابطه با دیگران، شغل‌یابی، همکاری، احترام نسبت به دیگران، تحمل آرای دیگران و...).

بخشی از این اهداف، از طریق نوع مطالبی که در کتاب درسی ارائه می‌شود (محتوا) و بخشی از طریق نوع سازمان‌دهی محتوا و اصولی که در تدوین و تدریس رعایت می‌شود، تحقق می‌یابد.

در «جامعه‌شناسی ۱» برای تحقق این اهداف، سه موضوع محوری به عنوان محتوای کتاب انتخاب شد: «نقش»، «مزایا و نابرابری‌های اجتماعی» و «هویت». در جامعه‌شناسی ۲، دو موضوع از این سه، انتخاب شد: «هویت» و «مزایا». اصول سازمان‌دهی محتوا در هر دو کتاب یکی است که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

بر مبنای انتخاب این دو موضوع و با عنایت به اهداف کلی دوره‌ی متوسطه، اهداف

جامعه‌شناسی ۲ تدوین شد.

## اهداف کتاب جامعه‌شناسی (۲)

اهداف کتاب در سه حیطه‌ی دانشی، نگرشی و مهارتی به شرح ذیل است.

### حیطه‌ی دانشی

شناخت موارد زیر توسط دانش‌آموز:

- هویت ملی (اسلامی و ایرانی) و مؤلفه‌های آن
  - نحوه‌ی ارزیابی فرد از هویت ملی و پیامدهای آن
  - راه‌های حفظ و تقویت هویت ملی (اسلامی و ایرانی)
  - مفهوم قشربندی
  - عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم انواع نابرابری
  - تراکم مزایا
  - عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم تراکم مزایا
  - پیامدهای تراکم مزایا
  - تحرک اجتماعی و انواع آن
  - نقش دانش در تحرک اجتماعی
  - کارکرد گروه‌های مدنی در تحرک اجتماعی
- ### حیطه‌ی نگرشی

- تقویت نگرش مثبت به هویت ملی (اسلامی - ایرانی)
- تقویت روحیه‌ی دفاع از هویت ملی
- تقویت روحیه‌ی نقادی نسبت به فرهنگ ملی به منظور ارتقای آن
- تقویت نگرش مثبت به وجود گروه‌های مدنی در جامعه
- تقویت روحیه‌ی مشارکت در گروه‌های مدنی
- تقویت گرایش مثبت به مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی
- تقویت روحیه‌ی نقادی نسبت به فعالیت‌ها و عملکرد گروه‌های مدنی
- تقویت روحیه‌ی مدارای اجتماعی در فعالیت‌های گروهی
- ایجاد نگرش مثبت نسبت به راه‌های بهنجار افزایش بهره‌مندی از مزایا
- تقویت توجه فرد به تأثیر شرایط اجتماعی در انتخاب‌های فرد
- تقویت روحیه‌ی کارآفرینی.

## حیطه‌ی مهارتی

- کسب توانایی انجام دادن تحقیقات ساده در زمینه‌ی موضوعات مطرح شده
- تقویت مهارت لازم برای انجام دادن فعالیت گروهی
- توانایی انتقال و نشر آموخته‌های خود به دیگران.

## اصول انتخاب محتوا

در انتخاب محتوا، اصول زیر مدنظر بوده است: اعتبار<sup>۱</sup>، هماهنگی با نیازها، علایق و توانایی‌های دانش‌آموز، ارتباط با زندگی روزمره و محیط اجتماعی دانش‌آموز، تناسب با تنوع اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی، سطوح مختلف یادگیری و فراهم کردن فرصت لازم برای فعالیت خارج از کلاس.

## اصول سازمان‌دهی محتوا

در سازمان‌دهی محتوا اصول زیر مبنای قرار گرفته است: توالی، مداومت و استمرار، وحدت و یکپارچگی، تعادل بین نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموز، تعادل بین حیطه‌های اصلی صلاحیت انسانی مانند مهارت‌های ارتباطی، فرصت‌های حل مسئله و صلاحیت شهروندی، تعادل بین جنبه‌های نظری و عملی و تعادل میان محتوا و روش.

## روش‌های تدریس

کتاب با فرض فعال بودن دانش‌آموز در کلاس، تدوین شده است؛ از این رو، در تدریس کتاب باید از «روش‌های فعال»، از جمله حل مسئله، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، بارش مغزی، همیاری از طریق تدریس اعضای تیم و همیاری از طریق طرح کارایی تیم، استفاده شود. استفاده از روش «پروژه محور» را نیز باید به این مجموعه افزود.<sup>۲</sup>

---

۱- اعتبار محتوا به معنای منطقی و مستدل بودن، استفاده از آمار و اطلاعات رسمی، استفاده از پژوهش‌ها و کتاب‌های تأیید شده، مستند و دست‌اول بودن منابع مورد استفاده است.

۲- البته باید توجه داشت که تدریس، کاری ابتکاری و تجربی است و نمی‌توان به صورت کلی روش معینی را برای تدریس یک درس یا کتاب پیشنهاد کرد؛ زیرا با وجود تنوع شرایط و امکانات در مناطق مختلف کشور، هر کلاس شرایط خاص خود را دارد اما این به معنای آن نیست که بتوان یک جهت کلی (که همان استفاده از روش‌های فعال تدریس است) را پیشنهاد یا دنبال کرد.

## اجزاء اصلی درس و کارکرد آن‌ها در تدریس

هر درس از اجزاء زیر تشکیل شده است: عنوان، متن، تصویر، برای مطالعه‌ی بیشتر، فعالیت انتخاب عنوان فرعی، فعالیت ورودی، فعالیت میانی، فعالیت پایانی، فعالیت استخراج مفاهیم کلیدی، فعالیت خلاصه کردن درس و فعالیت پیشنهاد عناوین دیگر. هریک از این اجزاء، در تحقق بخشیدن اهداف کتاب، کارکرد و نقش خاصی دارند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود. **عنوان درس:** عنوان پرسشی درس، علاوه بر آشنا ساختن دانش‌آموزان با هدف درس، موجب کنجکاوی و ایجاد انگیزه و همچنین، آمادگی ذهنی در دانش‌آموزان برای ورود به درس می‌شود. از عنوان درس می‌توان به عنوان یک فعالیت نیز استفاده کرد.

**تصویر:** در هر درس، تصاویر در یک یا دو صفحه ارائه شده است. تصاویر لزوماً بازنمای کامل متن نیست بلکه به دلیل نوع تأثیر متفاوت تصویر و نوشتار، از آن‌ها، برای القای درکی کلی درباره‌ی موضوع و انتقال احساس و عاطفه‌ی مرتبط با متن استفاده شده است. ضمن این‌که بر جاذبه‌ی کتاب می‌افزاید و کارکرد انگیزشی هم دارد.

**فعالیت ورودی:** هر درس، با یک فعالیت آغاز می‌شود که در جریان انجام دادن آن، متن درس ذیل آن یا حداقل ایده‌های اصلی آن، باید از طریق فعالیت دانش‌آموزان تدریس شود؛ نه این‌که فعالیت امری مجزا از متن در نظر گرفته شود و متن جداگانه تدریس شود.

**فعالیت میانی:** فعالیت دومی که در هر درس تعبیه شده است، گاه نقشی مشابه فعالیت اول درس را دارد - یعنی، برای تدریس متن بعد از آن باید مورد استفاده قرار گیرد - و گاه نقش تعمیق مطلب قبلی را دارد.

**فعالیت پایانی:** در پایان هر درس، فعالیت‌ی طراحی شده است که به تعمیق محتوای درس کمک می‌کند و از طریق آن می‌توان درس را هم ارزش‌یابی کرد.

انجام دادن فعالیت‌ها، علاوه بر این‌که در بُعد دانش، کارکرد دارند، در تحقق اهداف نگرشی و مهارتی سهم اصلی را برعهده دارند؛ زیرا تحقق اهدافی چون «تقویت مهارت‌های لازم برای انجام دادن فعالیت‌های گروهی» یا «تقویت روحیه‌ی تحمل نظر دیگران و برخورد منطقی با آن»، عمدتاً از طریق انجام دادن فعالیت‌ها و به‌کارگیری روش‌های تدریس فعال میسر است و در مواردی فقط از این طریق ممکن می‌شود.

**استخراج مفاهیم کلیدی (key concepts):** قبل از این‌که به کارکرد این فعالیت بپردازیم، لازم است درباره‌ی معنا و مفهوم «مفهوم کلیدی»، مطالبی ارائه کنیم.

هر درس یا متن آموزشی، اگر هدف شناختی داشته باشد، این هدف برای آموزش یک یا چند مفهوم تهیه شده است. این مفاهیم، مفاهیم کلیدی متن اند که نویسنده برای آموزش آن‌ها مقدمه‌چینی و استدلال می‌کند؛ مصداق، نمونه و مثال می‌آورد؛ به مقایسه می‌پردازد و... متقابلاً، در مطالعه‌ی چنین متنی، زمانی می‌توان از فهم درست آن سخن گفت که خواننده‌ی متن، مفاهیم کلیدی را دریافت کرده باشد و بتواند آن‌ها را به زبان خودش بیان کند. بر این اساس، «استخراج مفاهیم کلیدی» فعالیتی است در جهت فهم متن. زمانی خواننده متنی را فهمیده است که بتواند مفاهیم کلیدی (ایده‌های اصلی) و روابط بین آن‌ها را مشخص کند.

با توجه به این مقدمه، «استخراج مفاهیم کلیدی» را می‌توان ابزاری برای ارزش‌یابی محسوب کرد؛ زیرا انجام دادن این عمل توسط فراگیرنده، به معنای آن است که فراگیرنده به مرحله‌ی اول فهم رسیده است.

با توجه به اهمیت این مهارت در مطالعه‌ی متون مختلف، صرف‌نظر از نقشی که «استخراج مفاهیم کلیدی» در ارزش‌یابی دارد، می‌توان آن را به‌عنوان یک مهارت عمده در نظر گرفت که ایجاد و تقویت آن در دانش‌آموزان یک هدف محسوب می‌شود.

اما چگونه می‌توان مفاهیم کلیدی را از یک متن استخراج کرد؟

برای پرورش مهارت موردنظر، روش‌های مختلفی وجود دارد که در این جا به چند مورد ساده‌تر آن اشاره می‌شود.

در یک متن، معمولاً نشانه‌هایی وجود دارد که بر مبنای آن‌ها می‌توان مفاهیم کلیدی را شناسایی کرد. یکی از این نشانه‌ها، تقسیمات عمده‌ای است که نویسنده در ساختار متن ایجاد می‌کند. نویسنده از «عنوان‌ها»، «عنوان‌های فرعی»، «برجسته‌سازی عبارت‌ها» و «نمودارها» برای نشان دادن تقسیمات عمده‌ی متن استفاده می‌کند.

همچنین، شیوه‌ی معمول نوشتن بر این است که در هر بند (پاراگراف) یک مطلب بیان شود. این مطلب ممکن است با عبارت‌های متعددی که شامل مثال، نمونه و مصداق، واقعیت‌ها (facts)، توضیحات و نظایر آن است، همراه باشد اما این بند، یک جمله‌ی اصلی دارد که مطلب اصلی، یعنی همان مفهوم کلیدی، در آن بیان شده است.

این مطلب به‌صورت دیگری هم بیان شده است؛ یک بند یا بخشی از متن را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: مفهوم اصلی و مطالب تفصیلی. مفهوم اصلی مهم‌ترین عنصر یک بند یا یک قسمت انتخابی است. مطالب تفصیلی جمله‌هایی‌اند که درباره‌ی آن ایده‌ی اصلی مطلبی ارائه

می‌کنند. از جمله‌ی این مطالب تفصیلی می‌توان به واقعیت‌ها اشاره کرد. خواننده، اطلاعات تفصیلی را به یاد می‌آورد و از آن‌ها استفاده می‌کند تا مفاهیم را قابل رؤیت کند؛ همچنین، واقعیت‌ها را به کار می‌برد تا از نتیجه‌گیری‌ها، پیش‌بینی‌ها و پاسخ‌ها حمایت کند.

خلاصه‌هایی که در بعضی متون ارائه می‌شود، راه دیگری برای شناخت مفاهیم کلیدی است (در کتاب درسی، خلاصه‌ی درس‌ها نیامده است؛ زیرا خلاصه کردن به عهده‌ی دانش‌آموزان گذاشته شده است).

تقابل‌هایی را که نویسنده در متن شکل می‌دهد، راه دیگری برای شناخت مفاهیم کلیدی است؛ زیرا یکی از راه‌های القای معنای یک مفهوم، مقایسه‌ی آن با مفاهیم دیگر است.

برای آموزش مهارت «استخراج مفاهیم کلیدی»، ضمن تأکید بر موارد فوق و موارد دیگری که دبیران می‌توانند به دانش‌آموزان ارائه کنند، لازم است بعد از استخراج مفاهیم توسط دانش‌آموزان، از آن‌ها خواسته شود تا مفاهیم کلیدی را با کلمه‌های خودشان بیان کنند و درباره‌ی مهم بودن آن‌ها استدلال کنند. سپس از آن‌ها خواسته شود تا پیوند آن‌ها را با مفاهیم دیگر بیان کنند. این فعالیت‌ها مقدمه‌ای است برای «خلاصه کردن» درس که مهارتی است وابسته به «استخراج مفاهیم کلیدی».

پرسش‌های زیر نمونه‌ای است که به دانش‌آموز کمک می‌کند تا مفاهیم کلیدی را از سایر مطالب تفکیک کند:

– بر مبنای عنوان، حدس می‌زنید نوشته درباره‌ی چیست؟

– درباره‌ی ایده‌ی مهم این نوشته یا بند چه حدسی می‌زنید؟

– دو کلمه‌ای که به شما کمک می‌کند تا مفهوم اصلی بند یا یک قسمت منتخب را

توصیف کنید، چیست؟

– آیا جمله‌ای هست که ایده‌ی اصلی را توصیف کند؟

– کانون این نوشته چیست؟

**خلاصه کردن (summary) درس:** فعالیت «خلاصه کردن» هم برای ارزش‌یابی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم خود یک مهارت اساسی است که باید دانش‌آموزان آن را فراگیرند. توانایی «خلاصه کردن» یکی از مهم‌ترین مهارت‌های تفکر است. با خلاصه کردن می‌توان اطلاعات وسیع را در قالب نسخه‌ای کوتاه‌تر بیان کرد تا منظور نویسنده به راحتی فهمیده شود. این امر به ما کمک خواهد کرد که بدون مراجعه به متن اصلی، تصویری از متن مطالعه شده داشته

باشیم. مهم‌ترین مسئله در خلاصه کردن، این است که چه مطالبی باید در خلاصه بیاید و چه مطالبی نباید بیاید. یک خلاصه عبارت است از جملات کوتاه - معمولاً چند جمله - که ایده‌های اصلی یک قسمت را به ما می‌دهد. خلاصه شامل تمام جزئیات در یک بازگویی نیست. جوهر خلاصه، مختصر بودن آن است.

خلاصه روی مفاهیم کلیدی متمرکز می‌شود. برای خلاصه کردن متن، خواننده مطالب تفصیلی و با اهمیت کمتر و تکراری را حذف می‌کند؛ بر این اساس، می‌توان خلاصه کردن را با «استخراج مفاهیم کلیدی» مرتبط دانست. تفاوت «خلاصه کردن» با «استخراج مفاهیم کلیدی» در این است که به جای فهرست کردن ایده‌های اصلی، تلاش می‌شود تا مفاهیم دوباره با هم ترکیب شوند تا متن جدیدی تولید شود.

### توصیه‌هایی برای «خلاصه کردن»

۱- قطعه‌ای را که می‌خواهید خلاصه کنید، تلاش کنید بدون نوشتن و یادداشت کردن بفهمید. در این زمینه می‌توانید به جملات برجسته و کلید واژه‌ها توجه کنید.

۲- زیر کلمات و عباراتی که فکر می‌کنید مهم‌اند، خط بکشید. با این کار، اطلاعات کم‌فایده‌تر حذف می‌شوند.

۳- خلاصه را با کلمات خودتان بنویسید. از سازمان و متن اصلی تبعیت کنید تا مطمئن شوید که عقاید شخصی خود را در خلاصه وارد نکرده‌اید؛ زیرا عقاید شخصی را نباید در خلاصه وارد کرد. هر کلمه و عبارتی که در خلاصه به‌کار می‌رود، باید مستند به متن باشد. خلاصه‌ی شما باید بین ۱۵ تا ۲۰ درصد متن اصلی باشد.

۴- بعد از اتمام خلاصه، برای اطمینان به مقایسه‌ی آن با متن اصلی بپردازید. بخشی از سؤالاتی که به دانش‌آموزان برای خلاصه کردن اطلاعات کمک می‌کند، همان سؤالاتی است که برای استخراج مفاهیم کلیدی، مطرح شد. به آن فهرست می‌توان سؤالات زیر را نیز افزود.

- چگونه می‌توانیم اطلاعات «نوشته» را فشرده کنیم؟

- کدام مطالب تفصیلی یا توضیحات، مهم‌ترین‌اند؟

- کدام یک از مطالب تفصیلی، اهمیت کمتری دارند؟

برای مطالعه‌ی پیش‌تر: مطالب این قسمت، مکمل مطالبی است که به‌عنوان متن درس آمده است. این مطالب، عمدتاً واقعیت (fact)هایی است که ادعاهای متن را تأیید می‌کند و به

تحکیم مفاهیم اصلی درس کمک می‌کند. ضمن این که منابعی را معرفی می‌کند که اگر دانش‌آموزی بخواهد درباره‌ی مطالب مطرح شده بیش‌تر بداند، به آن مراجعه کند.

پیشنهاد عناوین دیگر برای درس: فعالیتی است که علاوه بر سنجش میزان درک دانش‌آموز از هدف درس، بر ارائه‌ی ایده و خلاقیت دانش‌آموزان تأکید دارد.

سوالات پایان هر فصل: در پایان هر فصل، تعدادی سؤال ارائه شده است. این‌ها سوالات نمونه‌اند که در ارزش‌یابی می‌توان از آن استفاده کرد.

در کتاب حاضر، تلاش شده است تا در پایان هر درس، نمونه‌های دیگری از سوالات ارائه شود.

## ارزش‌یابی

ارزش‌یابی عبارت است از فرایندی منظم برای تعیین و تشخیص میزان پیشرفت یادگیرنده در رسیدن به هدف‌های آموزشی (میرزایی، ۱۳۷۷: ۱۱).

منظور از فرایند منظم این است که ارزش‌یابی باید طبق برنامه و روالی منظم انجام گیرد؛ از این رو، مشاهدات بی‌نظم و ترتیب از رفتار دانش‌آموزان را نمی‌توان ارزش‌یابی نامید. در ضمن، کاربرد «هدف‌های آموزشی» حاکی از این است که در ارزش‌یابی باید هدف‌های آموزشی از پیش مشخص شده باشد.

بر این اساس، ارزش‌یابی آموزشی به منظور تشخیص و کمک به اعتلای وضع تدریس، کمک به تصمیم‌گیری مسئولان در مورد مدرسان، کمک به دانش‌آموزان و تدارک ضوابطی در مورد تحقیق در زمینه‌ی تدریس صورت می‌گیرد (همان: ۱۳).

رویکردهای اساسی در ارزش‌یابی باید به گونه‌ای باشد که متوجه‌ی هدف‌های دوره‌ی تحصیلی بوده و نتایج آن به راهنمایی و انگیزش دانش‌آموزان و معلمان منجر شود. همچنین ارزش‌یابی باید با توجه به هدف‌ها، روش‌های تدریس و عناصر مختلف برنامه‌ی درسی صورت گیرد.

ارزش‌یابی برای اصلاح فرایند آموزش بوده و داوری ارزش‌یابی در مورد دانش‌آموزان باید بر اساس اطلاعات همه‌جانبه شامل عملکرد تحصیلی، رفتار و شخصیت آن‌ها باشد نه فقط بر اساس نمرات آزمون‌ها.

از سوی دیگر، دانش‌آموزان باید در امر ارزش‌یابی دخالت داده شوند و یادگیرنده به



«خودارزیایی» بپردازد. بالاخره این که شرایط امیدبخش ارزش‌یابی، مورد توجه قرار گیرد (همان : ۲۴-۲۳).

**اهمیت و ضرورت ارزش‌یابی در امر آموزش: ارزش‌یابی در آموزش دو فایده‌ی اساسی دارد :**

۱- آگاه شدن دانش‌آموز از میزان موفقیت و پیشرفت تحصیلی خود و ۲- آگاه شدن معلم از میزان موفقیت اجرای برنامه‌ی آموزشی.

آگاهی دانش‌آموز از میزان موفقیت خود سبب می‌شود تا دانش‌آموز با آگاهی و به‌طور شخصی درباره‌ی پیشرفت خود قضاوت کند و برای یادگیری و کسب موفقیت بیش‌تر احساس و انگیزه‌ی واقعی یابد؛ دانش‌آموز نقاط ضعف خود را بپذیرد و برای جبران آن تلاش کند؛ اگر ارزش‌یابی با حسن‌نیت و به‌درستی انجام شود، اعتماد به‌نفس دانش‌آموزان تثبیت و تقویت می‌شود. آگاه شدن معلم از میزان موفقیت اجرای برنامه‌ی آموزشی، موجب می‌شود تا معلم با بررسی و تفسیر اطلاعات به‌دست آمده، از نقاط ضعف و قوت برنامه‌های آموزشی خود آگاه شود، برای اصلاح آن اشتیاق بیش‌تری از خود نشان دهد و توانایی حرفه‌ای معلم در زمینه‌های مختلف آموزشی و طراحی آموزشی به‌تدریج افزایش یابد.

**ارزش‌یابی و چرخه‌ی آموزش: الگوی سنتی آموزش، در پایان چرخه‌ی آموزش و بعد از اجرای آن، به ارزش‌یابی می‌پردازد. در این الگو، مدرس به تأثیر آموزش پس از انجام دادن آن و این که آیا آموزش از نظر شرکت‌کنندگان، کار مفید و باارزشی بوده است یا نه، توجه دارد. این الگو اگرچه ارزش‌یابی را در نظر می‌گیرد ولی دارای محدودیت‌های زیادی است.**

در الگوی جدید، ارزش‌یابی می‌تواند در هر موضعی از فرایند انجام شود؛ برای مثال، می‌توان در کنار ارزش‌یابی تأثیر دراز مدت آموزش بر شرکت‌کنندگان، دوره‌ی آموزشی را در زمان انجام دادن آن نیز ارزش‌یابی کرد تا بتوان محتوا را اصلاح و حتی مفیدتر ساخت.

**مراحل ارزش‌یابی: در ارزش‌یابی به‌عنوان یک فرایند، چهار مرحله‌ی مشخص وجود دارد: ۱- آماده‌سازی، ۲- سنجش و اندازه‌گیری، ۳- قضاوت و ۴- بازخورد و اصلاح.**

**آماده‌سازی:** در مرحله‌ی آماده‌سازی، مشخص می‌شود که چه چیزی باید ارزش‌یابی شود. باید به این سؤال پاسخ داده شود که در حیطه‌ی مهارتی (حرکتی)، شناختی و نگرشی (عاطفی) چه سطحی از یادگیری باید ارزش‌یابی شود؟

از سطوح مهارتی: آمادگی برای تقلید، اجرای مستقل، هماهنگی، دقت، استادی (عادی)

شدن حرکت)، از سطوح شناختی: حافظه، درک و فهم، کار بستن، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزش‌یابی و قضاوت آگاهانه و از سطوح نگرشی: توجه، واکنش، ارزش‌گذاری، سازمان‌دهی ارزش‌ها و درونی کردن ارزش‌ها، کدام سطح یا سطوح و با چه ضربی از اهمیت، باید ارزش‌یابی شود؟

همچنین باید درباره‌ی مناسب‌ترین روش سنجش و اندازه‌گیری که براساس آن اطلاعات مربوط به پیشرفت دانش‌آموزان گردآوری می‌شود، تصمیم‌گیری شود.

**سنجش و اندازه‌گیری:** در مرحله‌ی دوم، ابزار اندازه‌گیری انتخاب و سازمان‌دهی می‌شود و به اجرا درمی‌آید و اطلاعات مربوط به پیشرفت و یادگیری دانش‌آموزان جمع‌آوری می‌شود. آنچه در این مرحله مهم است، اقدام متناسب با مرحله‌ی قبل است؛ یعنی، تصمیم‌گیری در مورد این که کجا، چه وقت و چگونه سنجش و اندازه‌گیری به اجرا درخواهد آمد. مشاهده‌ی رفتار و چک‌لیست، مصاحبه و آزمون کتبی یا عملی، ابزارهای مناسبی برای اندازه‌گیری‌اند.

**قضاوت:** در مرحله‌ی سوم، اطلاعات حاصل از سنجش و اندازه‌گیری، تفسیر شده و درباره‌ی پیشرفت، قضاوت می‌شود.

در این مرحله، بهتر است بر نظام ارزش‌یابی «عملکرد مدار» به جای ارزش‌یابی‌های «هنجارمدار» و «ملاک مدار» تأکید شود و عملکرد فعلی دانش‌آموز با عملکرد قبلی وی مقایسه شده و درباره‌ی پیشرفت قضاوت شود.

**بازخورد و اصلاح:** جنبه‌ی مهم ارزش‌یابی این است که مطمئن شویم که دانش‌آموزان از ابتدا می‌دانند که چه چیزی مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار خواهد گرفت؛ چگونه این سنجش صورت می‌گیرد؟ و چرا به عمل می‌آید؟ و چه هنگام انجام خواهد شد؟ و مهم است که دانش‌آموزان بدانند که چگونه نتایج این اندازه‌گیری در پیشرفت یادگیری آن‌ها نقش خواهد داشت. جنبه‌ی مهم دیگر این است که هرگاه والدین از نتایج ارزش‌یابی‌ها مطلع شوند، آن‌ها بهتر بتوانند برای یادگیری و پیشرفت فرزند خود در آن دوره‌ی یادگیری، حمایت‌های لازم را فراهم آورند.

**انواع ارزش‌یابی:** با توجه به زمان ارزش‌یابی و اهداف آن، ارزش‌یابی را می‌توان به سه دسته‌ی تشخیصی، تکوینی (مستمر / مرحله‌ای) و پایانی تقسیم کرد.

**الف — ارزش‌یابی تشخیصی،** به منظور تشخیص آموخته‌ها و مهارت‌های ورودی دانش‌آموزان در شروع هر مرحله‌ی جدید آموزش انجام می‌شود.

ب – ارزش‌یابی تکوینی، نوعی ارزش‌یابی منظم و مستمر است که برای تشخیص آموخته‌های دانش‌آموز در پایان هر بخش یا فصل از برنامه و در طول سال تحصیلی، انجام می‌شود.

پ – ارزش‌یابی پایانی، در پایان هر دوره‌ی آموزشی برای تشخیص آموخته‌های دانش‌آموز از کل مفاهیم و مطالب کلی و مهارت‌های آموخته شده توسط دانش‌آموز در یک درس انجام می‌گیرد.

جدول زیر تفاوت انواع ارزش‌یابی را به صورت تفصیلی نشان می‌دهد.

جدول مقایسه‌ی انواع ارزش‌یابی

نوع ارزش‌یابی			ابعاد مورد مقایسه
پایانی	تکوینی / مرحله‌ای	تشخیصی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>– تعیین میزان تحقق هدف‌های نهایی آموزشی</li> <li>– تشخیص مهارت‌های آموخته شده</li> <li>– تعیین استعدادها و پیش‌بینی موفقیت در کلاس‌ها یا دوره‌های بعد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– تعیین میزان محقق شدن هدف‌های جزئی</li> <li>– رفتاری در هر مرحله از درس</li> <li>– تعیین اشتباهات و اشکالات آموزشی هر یک از دانش‌آموزان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– تعیین معلومات و رفتار ورودی دانش‌آموز</li> <li>– کشف کمبودهای آموزشی دانش‌آموز</li> <li>– کشف عوامل کمبود و تصمیم‌گیری درباره‌ی نوع آموزش لازم</li> </ul>	اهداف
<ul style="list-style-type: none"> <li>– پایان برنامه‌ی یک واحد درسی یا سال تحصیلی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– ضمن فرایند آموزشی و فراگیری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– پیش از شروع تدریس یا آغاز اجرای برنامه‌ی آموزشی</li> <li>– ضمن تدریس ولی پیش از شروع هر مرحله‌ی جدید</li> </ul>	موارد استفاده و کاربرد
<ul style="list-style-type: none"> <li>– پرسش‌های کلی مربوط به هدف‌های نهایی یا آزمون‌های جامع</li> <li>– پرسش‌هایی برای ارزش‌یابی کلی هدف‌های جزئی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– پرسش‌هایی برای سنجش هدف‌ها و مفاهیم ویژه‌ی هر درس</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>– پرسش‌هایی که درک مباحث پیشین و حاضر را می‌سنجند و تفسیر نتایج آزمون‌ها</li> <li>– آزمون‌های میزان شده‌ی تشخیصی (مانند آزمون سنجش استعداد)</li> <li>– مشاهده و مطالعه‌ی فردی</li> </ul>	نوع پرسش یا آزمون

شیوه‌های اجرای ارزش‌یابی تکوینی (مستمر / مرحله‌ای): از بین سه روش ارزش‌یابی که مکمل یک‌دیگرند، با توجه به اهمیتی که ارزش‌یابی مستمر در تدریس این درس دارد، در این قسمت، به بررسی شیوه‌های اجرایی آن می‌پردازیم.

روش‌های پیشنهادی برای ارزش‌یابی تکوینی (مستمر) به شرح زیر است:

۱- ثبت رویدادهای مهم از عملکرد دانش‌آموزان در یک مجموعه

۲- انجام دادن پروژه‌های فردی و گروهی

۳- اجرای نمایش

۴- مشاهده و استفاده از آن در اندازه‌گیری

۵- یادداشت رویدادهای مهم عاطفی، روانی و حرکتی دانش‌آموزان

۶- اظهارنظرهای کتبی و شفاهی معلم

۷- ارائه کارهای عملی به دانش‌آموزان

۸- انجام دادن آزمون‌های عینی و بسته پاسخ

۹- استفاده از سؤالات شفاهی

۱۰- استفاده از سؤالات تشریحی به صورت توصیفی، تحلیلی، تبیینی و خلاصه‌نویسی

۱۱- مشارکت دانش‌آموز در ارزش‌یابی از خود یا دیگران.

قبل از ارائه شیوه‌های اجرایی، لازم است به این نکته توجه شود که این شیوه‌ها از هدف‌های دوره‌ی تحصیلی، سطح سنی دانش‌آموزان، موضوع و محتوای دروس، روش‌های تدریس معلم، تعداد دانش‌آموزان کلاس و عوامل دیگر تأثیر می‌پذیرد و دبیر باید با توجه به این شرایط، شیوه‌ی ارزیابی را انتخاب کند.

ثبت رویدادهای مهم از عملکرد دانش‌آموزان در مجموعه‌ای به نام پورت‌فولیو:

این مجموعه، شامل یک ارائه‌ی بصری از موفقیت‌های شاگرد، توانایی‌ها، نقاط ضعف و قوت، و پیشرفت او در خلال زمان است. در این روش، دانش‌آموز برای نشان دادن توانایی‌ها و پیشرفت کار خود، مثال‌ها و نمونه‌هایی از جریان کار خود را که در طول سال، نوبت امتحانی یا نیم‌سال تحصیلی انجام داده به خود به کلاس می‌آورد و برای ارزش‌یابی در اختیار معلم قرار می‌دهد. این روش شامل آرشیوی از اسناد و مدارک مربوط به رشد یادگیرنده در زمینه‌هایی که معرف پیشرفت واقعی او هستند، است.

انجام دادن پروژه‌ی فردی یا گروهی: پروژه، کوشش علمی یک دانش‌آموز (یا

دانش‌آموزان) را در حیطه‌ی مورد علاقه‌ی خودش نشان می‌دهد. پروژه به دانش‌آموز این امکان را می‌دهد تا آزمایش کند، تصمیم بگیرد، فرضیه بسازد، ایده‌ها را بررسی و امتحان کند، به دنبال راه‌حل‌هایی بگردد و مهم‌تر از همه، درباره‌ی خود و دنیای اطراف خود مطالعه کند.

پروژه‌ی گروهی مستلزم شرکت گروه در برنامه‌ریزی، تحقیق، بحث گروهی و ارائه‌ی محصول است.

**اجرای نمایش:** در نمایش، دانش‌آموز یا دانش‌آموزان مهارت‌های تازه یاد گرفته شده یا مهارت‌هایی را که آموزش داده شده‌اند، به نمایش می‌گذارند و نمایش آن‌ها مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد.

**مشاهده و استفاده از آن در ارزش‌یابی:** متخصصان چهار شیوه‌ی مشاهده را به شرح زیر ارائه نموده‌اند.

**الف – مقیاس درجه‌بندی:** نقاط روی مقیاس توصیف می‌شوند. توصیف‌ها عبارت‌هایی‌اند که به صورت رفتاری نشان می‌دهند که دانش‌آموز مورد مشاهده، در مراحل مختلف مقیاس چگونه عمل می‌نماید.

**ب – چک لیست‌ها (فهرست‌های بازبینی):** در فرم‌ها و برگه‌ها، فهرستی از رفتارهایی که قرار است مورد ارزش‌یابی قرار گیرند، تهیه می‌شود. رفتارها مورد مشاهده قرار می‌گیرند و ارزش‌یابی آن به صورت کمی (نمره) یا توصیفی (خوب، متوسط و...) تعیین می‌شود.

**پ – سوابق تراکمی:** به کمک این روش، تمام پاسخ‌های فردی در خلال مدت معینی در بر گرفته می‌شود، اطلاعات جمع‌آوری و در مورد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز در موضوع خاص اظهار نظر شده و میزان پیشرفت او ارزش‌گذاری می‌شود.

**ت – یادداشت رویدادهای مهم:** از این روش معمولاً برای اندازه‌گیری نتایج عاطفی و روانی – حرکتی می‌توان استفاده کرد ولی ارزش‌یابی آموزشی شامل توصیف واقعی از رویدادها و اتفاقات معناداری است که معلم در نتیجه‌ی مشاهده از رفتار دانش‌آموز و در جریان آموزش، یادداشت می‌کند.

**روش یادداشت‌های روزانه:** در این روش، از دانش‌آموز خواسته می‌شود تا احساسات، تجارب یادگیری، فعالیت‌های کلاسی و... را به‌طور روزانه یادداشت کند و برای ارزیابی در اختیار معلم قرار دهد یا یادداشت‌های روزانه‌ی خود را در کلاس توضیح دهد، تبیین کند و

به بحث بگذارد.

اظهار نظرهای کتبی و شفاهی معلم درباره‌ی بهبود عملکرد دانش آموز و پرهیز از نمره: این روش، شامل اظهار نظرهایی است که معلم به صورت توصیفی درباره‌ی دانش آموز انجام می دهد. این اظهار نظرها می توانند به صورت شفاهی به دانش آموز گفته شود یا به صورت کتبی ثبت و به اطلاع دانش آموز یا ولی وی برسد یا در محلی نگهداری شود.

ارائه‌ی کارهای عملی به دانش آموزان: براساس دروس و محتوای ارائه شده و به منظور تثبیت یادگیری و شناسایی و ارزش یابی میزان یادگیری، انجام دادن کارهایی به دانش آموزان واگذار می شود. با توجه به سن دانش آموزان، موقعیت، شرایط و محتوای دوره و پایه‌ی تحصیلی کارهای عملی نیز متفاوت و گوناگون است. مواردی مانند تهیه‌ی نشریه، جمع آوری اطلاعات و تهیه‌ی گزارش، ساخت ابزار، مطالعه‌ی کتب، خلاصه نویسی، شرکت در جلسات خاص و... از جمله کارهای عملی است.

انجام دادن آزمون‌های عینی یا بسته پاسخ: از انواع آزمون‌های عینی یا بسته پاسخ (چندگزینه‌ای، جورکردنی، صحیح – غلط) و آزمون‌های کوتاه پاسخ به صورت کتبی استفاده می شود.

استفاده از پرسش‌های شفاهی: در این روش، معلمان به تناسب محتوای درس و نحوه‌ی آموزش، از دانش آموزان سؤالاتی را به صورت شفاهی می پرسند. این روش بیشترین استفاده را در کلاس‌های آموزشی در نظام ما داراست و به دلیل سهولت در طرح، اجرا و... معمولاً از آن استفاده می شود.

استفاده از سؤالات تشریحی به صورت توصیفی، تحلیلی، تبیینی و خلاصه نویسی: در این روش، یک یا چند سؤال تشریحی برای دانش آموزان مطرح می شود و از آن‌ها خواسته می شود تا پاسخ سؤال را به صورت‌های توصیفی، تحلیلی، تبیینی و خلاصه نویسی بنویسند.

مشارکت دادن دانش آموزان در ارزش یابی از خود یا دیگران: در این روش، زمینه‌هایی فراهم می شود تا دانش آموزان کار خود یا هم کلاسی هایشان را مورد ارزش یابی قرار دهند. نمونه‌ی ساده‌ی آن، تعویض برگه‌های پاسخ دانش آموزان به یک سؤال یا سؤالات است که تصحیح آن توسط دانش آموزان با راهنمایی کلی معلم صورت می گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، معلم برحسب اهداف ارزش یابی از ترکیبی از آزمون‌های مختلف

می‌تواند استفاده کند و بهتر است ارزش‌یابی خود را به یک نوع آزمون محدود نسازد.<sup>۱</sup> با توجه به نکاتی که ارائه شد، در فصول آتی نمونه‌ای از تدریس دروس مختلف ارائه می‌شود. قابل ذکر است که موارد طرح شده جنبه‌ی پیشنهادی دارند و نباید آن‌ها را به‌عنوان اشکال اصلی تدریس درس‌ها تلقی کرد.

- 
- ۱- مطالب این قسمت از منابع زیر اقتباس شده است.
  - سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۱) اندازه‌گیری و ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، انتشارات آگاه
  - یغما، عادل (بی‌تا) طراحی آموزشی، انتشارات مدرسه
  - ریوز، ماریا؛ روش‌های ارزش‌یابی آموزش، ترجمه‌ی سیداکبر میرحسینی، بهروز دری، انتشارات فدایی
  - دبیرخانه‌ی همایش (۱۳۸۲) ارزش‌یابی در خدمت تعلیم و تربیت، انتشاراتی آذر برزین
  - مستوفی، حبیب. ارزش‌یابی در آموزش و پرورش وسیله‌ای برای هدایت مستمر یادگیری فراگیران، جزوه
  - موسوی، فرشته (۱۳۸۳) چهار گام اساسی در ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، انتشارات عابد
  - محمد میرزایی، علی‌رضا (۱۳۷۷) ارزش‌یابی در مدارس، نشر شورا

بخش دوم

راهنمای عمل



## راهنمای استفاده از کتاب

در متنی که پیش رو دارید، مطالب متنوعی آمده است که هر یک در تدریس کارکرد متفاوتی دارد. برای جلوگیری از ابهام و اختلاط، هر نوع از مطالب با زمینه‌ی رنگی خاصی مشخص شده است:

✓ توضیحات کلی درباره‌ی انواع روش‌های تدریس مورد استفاده با رنگ

«زرد».

✓ توضیحات و راهنمایی‌های مربوط به انجام یک فعالیت مشخص یا یک نوع فعالیت در همه‌ی درس‌ها با رنگ «خاکستری».

✓ نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان با رنگ «سبز».

✓ پاسخ درست در روش «پرسش و پاسخ» و بعضی فعالیت‌ها، «نتیجه‌گیری»های معلم و مطالبی که جنبه‌ی خطایی دارد و معلم فرضی در کلاس ارائه می‌کند با رنگ «آبی».

✓ مطالب جمع‌آوری شده از منابع دیگر برای انجام فعالیت به رنگ «صورتی».

✓ نمونه‌ی پرسش‌های پیشنهادی برای هر درس به رنگ «قهوه‌ای روشن».

فصل اول ▼



هویت

### نقش «موقعیت» در هویت‌یابی چیست؟

#### اهداف درس

- در پایان درس، انتظار می‌رود دانش‌آموز:
- مفهوم موقعیت را بشناسد.
- مفهوم موقعیت مهم را درک کند.
- با دلایل میزان اهمیت موقعیت‌ها آشنا شود.
- شرایط دوام هویت‌ها را درک کند.
- توانایی اولویت‌بندی موقعیت‌ها – مهم و غیر مهم – را پیدا کند.
- موقعیت‌های مهم زندگی خود را تشخیص دهد.
- نقش موقعیت را در هویت‌یابی تحلیل کند.
- پیامدهای عدم توجه به موقعیت‌های مهم زندگی را تشخیص دهد.
- برای موقعیت‌های مهم زندگی خود برنامه‌ریزی کند.
- نقش موقعیت‌های مهم و مناسب را در به‌دست آوردن هویت با دوام تشخیص دهد.
- به موقعیت‌های مهم زندگی خود توجه کند.

#### اجزاء درس

- ۱- مرور مطالب سال گذشته، ۲- عنوان پرسشی درس، ۳- فعالیت ورودی و متن ذیل آن،
- ۴- فعالیت میانی و متن ذیل آن، ۵- متن ذیل عنوان فرعی (ص ۷)، ۶- انتخاب عنوان فرعی،
- ۷- فعالیت پایانی، ۸- مفاهیم کلیدی، ۹- خلاصه‌ی درس، ۱۰- انتخاب عناوین دیگر برای درس.

## نمونه‌ی تدریس<sup>۱</sup>

### ۱- مرور مطالب سال گذشته

در ابتدای درس، محورهای عمده‌ی مطالبی که سال گذشته آموخته شده، آمده است. ضروری است با استفاده از روش «پرسش و پاسخ»، مطالب سال گذشته یادآوری شود.

### ۲- عنوان پرسشی درس (نقش موقعیت در هویت‌یابی چیست؟) / روش: بارش مغزی

#### روش بارش مغزی

در این روش که به آن روش «ایده‌های آنی» یا روش «ذهن‌انگیزی» هم گفته می‌شود، دانش‌آموزان با آزادی تمام، کلیه‌ی مطالبی را که در مورد موضوع به ذهنشان می‌رسد، فوراً بیان می‌کنند؛ بنابراین، دانش‌آموز به‌طور ناخودآگاه و فوری از یافته‌ها و دانسته‌های قبلی خود استفاده می‌کند و آن‌ها را به کلاس ارائه می‌دهد و به تدریج دانش‌آموزان، مجموعه‌ی جملات و کلماتی را بیان می‌کنند که تمامی آن‌ها در کنار یک‌دیگر می‌تواند بخش عمده‌ای از مطالب مرتبط با سرفصل مربوط را ارائه دهد. با استفاده از روش بیان افکار و ایده‌های آنی می‌توان به دانسته‌های دانش‌آموزان از یک مطلب پی برد، متن کتاب درسی را غنای بیش‌تری بخشید، دریافت دانش‌آموزان را از یک موضوع، ارزش‌یابی کرده و بالاخره دانش‌آموزان را تشویق کرد تا در فضایی دوستانه به مبادله و ارائه‌ی دانش‌ها و دانسته‌های خود بپردازند.

#### مراحل تدریس

– ارائه‌ی یک عنوان (موضوع) از سوی معلم به دانش‌آموزان

– بیان فوری مطالب، کلمات و جملاتی در مورد عنوان از طرف دانش‌آموزان

۱- در زمینه‌ی اجرای روش‌های نمونه، در خصوص هر یک از روش‌ها، یک بار مراحل کار و شرایطی که برای اجرای آن لازم است، به‌صورت کلی توضیح داده می‌شود. سپس فقط اجرای روش نمونه در یک کلاس ارائه می‌شود؛ برای مثال، اگر روش تدریس نمونه، «بحث گروهی» است، این روش در اولین مرتبه‌ای که از آن صحبت شده، به‌صورت مختصر معرفی می‌شود و بعد از آن، هر جا از این روش صحبت می‌شود، فرض بر این است که همکاران، طبق مراحلی که توضیح داده شده، عمل کرده‌اند؛ بنابراین، فقط نتیجه‌ی بحث گروهی ارائه می‌شود؛ برای مثال، فرض می‌شود که همکاران کلاس را گروه‌بندی کرده‌اند؛ گروه‌ها درباره‌ی مطلب یا فعالیت موضوع بحث، گفت‌وگو کرده‌اند و نتیجه‌ی بحث آن‌ها توسط سرگروه‌ها ارائه شده است. در این کتاب، نتیجه‌ی بحث گروه‌ها که در کلاس ارائه شده، مطرح می‌شود و درباره‌ی هدایت و نتیجه‌گیری از نظریات گروه‌ها مطالبی ارائه می‌شود. در ضمن، آنچه به‌عنوان روش نمونه ارائه می‌شود، تنها روش تدریس برای هر درس و هر قسمت نیست بلکه یکی از روش‌ها و در بعضی موارد، بهترین روشی است که با متن کتاب تناسب دارد.

– نوشتن مطالب دانش‌آموزان بر روی تخته‌سیاه توسط معلم

– جمع‌بندی مطالب

– نتیجه‌گیری

در این روش، قوانین خاصی وجود دارد که در زیر آمده است :

– انتقاد ممنوع است؛ زیرا هدف از یورش فکری این است که در کمترین زمان،

بیش‌ترین ایده‌ها تولید شود و در صورتی که این فرایند با انتقاد یا اظهارنظر در مورد

ایده‌ها (هنگام تولیدشان) قطع شود، این هدف تحقق نمی‌یابد.

– از روانی تفکر استقبال می‌شود. ایده‌ها هرچه بکرتر باشد، بهتر است.

– ترکیب و بهبود ایده‌ها دنبال می‌شود و اعضای گروه تشویق می‌شوند از

ایده‌های یک‌دیگر استفاده کرده و آن‌ها را با هم ترکیب کنند.

– کمیت موردنظر است. هرچه ایده‌ها بیش‌تر باشد، شانس رسیدن به بهترین

راه‌حل بیش‌تر است.

### چک‌لیست برای ارزش‌یابی

از ایده‌های یک‌دیگر استفاده می‌کنند و آن‌ها را با هم ترکیب می‌کنند	
مدیریت زمان را رعایت می‌کنند	
نوبت و نظم را رعایت می‌کنند	
به نظریات دیگران توجه دارند و انتقاد نمی‌کنند	
آیا بین کلمات و جملات ارتباط منطقی و مفهومی منطبق با اهداف درس برقرار کرده‌اند؟	
آیا مطالبی که عنوان می‌کنند به عنوان یا موضوع ما ربط دارد؟	
جملات و کلماتی که به کار می‌برند بکر است و نوآوری دارد	
درباره‌ی موضوع یا عنوان فکر کرده‌اند	
اسامی دانش‌آموزان	

نمرات ۵ درجه‌ای و از خیلی ضعیف (۱)، ضعیف (۲)، متوسط (۳)، خوب (۴) و خیلی خوب (۵)، ارزیابی می‌شوند.

در بسیاری از درس‌ها می‌توان از عنوان پرسشی درس به‌عنوان یک فعالیت آغازین استفاده کرد. در عناوین بعضی از درس‌ها، مفاهیمی آمده‌اند که دانش‌آموزان‌ها را هنوز فرا نگرفته است و در طول آموزش درس، با آن مفاهیم به‌عنوان یک مفهوم فنی و تخصصی با معنای خاص آشنا می‌شود؛ درحالی‌که در بعضی درس‌ها چنین نیست. برای نوع اول عنوان‌ها، استفاده از روش مورد اشاره یا بارش مغزی، با این هدف دنبال می‌شود که اولاً دانش‌آموزان برای پی‌گرفتن مبحث درس برانگیخته شوند؛ ثانیاً، فهم قبلی و عرفی آن‌ها از مفهوم، مشخص شود. در این موارد، از پاسخ دانش‌آموزان برای ادامه‌ی تدریس در کلاس نمی‌توان استفاده نمود بلکه بعد از ارائه‌ی پاسخ‌ها، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا پاسخ‌های خود را تا آخر درس برای خود نگه‌دارند و در پایان، با پاسخ مجدد به پرسش، پاسخ‌های اولیه و ثانویه‌ی خود را با هم مقایسه کنند. این امر، ضمن این‌که به دانش‌آموز کمک می‌کند تا فضای معنایی فنی مفهوم را از فضای معنایی عرفی آن تشخیص دهد، مؤثر بودن تدریس را به او و معلم نشان می‌دهد و انگیزش وی را برای دنبال کردن بحث‌های کلاس در درس‌های بعدی افزایش می‌دهد.

درباره‌ی نوع دوم عناوین، با استفاده از پاسخ دانش‌آموزان، می‌توان تدریس را ادامه داد و مفاهیم درس را تدریس کرد.

توصیه می‌شود اگر همکاران می‌خواهند از عنوان پرسشی به‌عنوان یک فعالیت در ابتدای درس استفاده کنند، به این تمایز و تفاوت توجه داشته باشند. ضمن این‌که باید به این امر هم توجه کنند که اگر از عنوان پرسشی برای تدریس متن می‌خواهند استفاده کنند، این فعالیت با فعالیت ورودی همپوشی نداشته باشد؛ زیرا، فعالیت ورودی در هر درس، برای آن تعبیه شده که با انجام دادن آن، تدریس متن انجام شود.

در عنوان درس، مفهوم جدید «موقعیت» آمده است؛ بنابراین، باید آن را از عناوین نوع اول دانست؛ به همین دلیل، بعد از این‌که دانش‌آموزان به آن پاسخ می‌دهند، از آن‌ها خواسته می‌شود پاسخ‌های خود را تا انتهای تدریس، پیش خود نگه‌دارند و با پاسخ خود در پایان تدریس، مقایسه کنند. نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان یک کلاس در زیر آمده است.

### نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

— اگر فردی در موقعیتی قرار گیرد، سعی می‌کند خود را با آن موقعیت وفق داده

و بر اساس آن موقعیت، هویت خود را تغییر دهد.

– مثلاً اگر فرد در محیط مذهبی قرار گیرد، سعی می‌کند چادر سر کند و هویت او، هویتی مذهبی می‌شود.

– نقش مهمی دارد؛ مثلاً هویت ما در مدرسه با هویت ما در خانه فرق می‌کند و در هر موقعیت، خودمان را با یک هویت نشان می‌دهیم.

– موقعیت در هویت‌یابی افرادی با سطح فکر پایین و سطوح عامی فکری، تأثیر بسیار دارد؛ مانند نوجوانی که در این سنین به دنبال شخصیتی است که به وسیله‌ی آن خود را در جامعه مطرح کند (که سن او و سطح فکری‌اش در موقعیت اجتماعی برای هویت‌یابی‌اش مهم است) اما افراد در سطوح بالای فکری، فقط به موقعیت خود توجه نمی‌کنند.

– هویت‌های ما، در هر جا و بنا به موقعیت‌های گوناگون، تغییر می‌کند و ما به دنبال هویت جدید می‌گردیم؛ پس در شکل‌گیری هویت، موقعیت و شرایط و مکان‌های مختلف تأثیر می‌گذارند.

– نقش اساسی دارد و در تعیین هویت فرد مؤثر است. باعث می‌شود که او عکس‌العمل متفاوتی در هر موقعیت نشان دهد.

– اهمیت فراوانی دارد. انسان‌ها بر اساس موقعیت‌های زندگی خویش به پردازش و شناخت شخصیت خویش می‌پردازند و هویت خود را می‌سازند.

– موقعیت به هویت ما شکل و سمت و سو می‌دهد و باعث می‌شود تا ما هویت خود را تغییر دهیم؛ یعنی، بنا به موقعیت، هویت ما تغییر می‌کند. پس، نقش اساسی و تعیین‌کننده دارد.

– نقش ارزنده‌ای در هویت‌یابی دارد. اگر ما موقعیت زندگی را در نظر بگیریم، هویت‌یابی فرد در خانواده‌ای مرفه با خانواده‌ای نسبتاً فقیر مختلف است.

– نقش مهمی دارد و ما در هر شرایطی، هویت مختلفی داریم و با هر موقعیت، هویت و حالات ما تغییر می‌کند.

### ۳- فعالیت ورودی (مقایسه کنید) / روش: بحث گروهی

#### روش بحث گروهی

روش بحث گروهی، گفت‌وگویی سنجیده و منظم درباره‌ی موضوعی خاص و مورد علاقه‌ی مشترک شرکت‌کنندگان در بحث است. در این روش، دانش‌آموزان با شرکت فعال در فعالیت‌های کلامی، ابعاد مختلف یک مسئله را مورد بحث قرار می‌دهند و در پایان، نسبت به آن، شناخت عمیق‌تری به دست می‌آورند. همچنین درک می‌کنند که دیگران نیز نظریاتی دارند و باید به نظریات آنان احترام گذاشت. استدلال کردن و گوش دادن به حرف‌های دیگران را می‌آموزند و روحیه‌ی تحمل آرا پیدا کرده و روابط گروهی را تمرین می‌کنند. اجرای مطلوب روش بحث گروهی تا اندازه‌ی زیادی بستگی به شخصیت معلم، بردباری، توانایی نظم بخشیدن و سازمان‌دهی او دارد. در این روش، معلم باید قدرت تصمیم‌گیری و کنترل عمومی کلاس را داشته باشد تا هر شرکت‌کننده، بحث را به سمت نگرش‌های خود نکشاند.

#### مراحل قبل از تدریس

— **تغییر فضای هندسی کلاس:** با توجه به این که تعامل و روابط چهره به چهره با دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با یک‌دیگر، در یادگیری ایشان و نیز در ایجاد روابط نزدیک بین آن‌ها نقش بسیار مهمی دارد، لذا در تدریس به شیوه‌ی بحث گروهی، ضرورت تغییراتی در کلاس احساس می‌شود. این تغییرات به گونه‌ای است که نیمکت‌ها دور تا دور کلاس چیده می‌شود و فضای بین کلاس خالی می‌ماند؛ به گونه‌ای که تمامی دانش‌آموزان روبه‌روی هم می‌نشینند و می‌توانند همدیگر را ببینند. تغییر ساختار کلاس می‌تواند روی باور دانش‌آموزان از خود تأثیر بگذارد و موجبات افزایش انگیزه‌ی آن‌ها را برای یادگیری فراهم سازد.

— **گروه‌بندی دانش‌آموزان:** با توجه به تعداد دانش‌آموزان هر کلاس، گروه‌هایی تشکیل می‌شوند که شامل ۶-۵ نفرند. در گروه‌بندی دانش‌آموزان دو نکته مورد توجه است: الف- وضعیت درسی دانش‌آموزان که باید دانش‌آموزان زرتنگ، متوسط و ضعیف در همه‌ی گروه‌ها پراکنده شوند و از اجتماع شاگردان هم‌سطح در یک گروه اجتناب شود. ب- توجه به نظریات دانش‌آموزان در انتخاب اعضای گروه به منظور حفظ روابط عاطفی موجود (با نظارت دبیر).

گروه‌ها شماره‌گذاری می‌شوند و هر گروه، نام اعضای خود را در برگه‌ی راهنما می‌نویسد و مقابل نیمکت خود قرار می‌دهد.



## مراحل تدریس

- انتخاب موضوع، فعالیت یا سؤال مورد بحث و ارجاع آن به گروه
- بیان اهداف آموزشی بحث
- ابراز نظر همه‌ی اعضای گروه درباره‌ی موضوع مورد بحث
- انتخاب دو نمونه پاسخ که یکی به پاسخ مسئله‌ی مورد بحث نزدیک‌تر و دیگری دورتر است (با ذکر دلیل توسط دانش‌آموزان مطرح‌کننده)
- نظرخواهی از دانش‌آموزان درباره‌ی پاسخی که به نظر مناسب است و انجام دادن بحث و گفت‌وگو در این زمینه
- بررسی پاسخ‌ها در درون گروه
- ارائه‌ی پاسخ نهایی هر گروه توسط سر گروه به کلاس
- هدایت جریان بحث به سوی پاسخ مناسب و نتیجه‌گیری از بحث

## چک‌لیست برای ارزش‌یابی

ارزیابی عملکرد گروهی	ارزیابی عملکرد فردی	پرهیز از مشاجرات لفظی	گوش دادن دقیق به بحث‌ها	بیان دلایل منطقی و مستدل	رعایت نظم و نوبت در ارائه‌ی نظریات	احترام به نظریات دیگران	انتقادپذیری	شاهنگی با اعضای گروه	شرکت در بحث	درون‌گروهی	اعضای گروه	شماره‌ی گروه
											۱- ۲- ۳- ۴- ۵-	۱
											۱- ۲- ۳- ۴- ۵-	۲
											...	...
نمرات به صورت ۵ درجه‌ای یعنی، خیلی ضعیف (۱)، ضعیف (۲)، متوسط (۳)، خوب (۴) و خیلی خوب (۵)، ارزیابی می‌شوند.												

این فعالیت دارای چهار قسمت است که با روش «بحث گروهی» تدریس می‌شود. از هر گروه خواسته می‌شود تا درون گروه، ابتدا به صورت انفرادی به قسمت اول و دوم فعالیت پاسخ دهند. سپس، به صورت گروهی به قسمت‌های ۳ و ۴ پاسخ دهند. آن‌گاه، نتیجه توسط سرگروه‌ها به کلاس ارائه شود.

با انجام دادن فعالیت، دانش‌آموزان متوجه می‌شوند که در شرایط و دوره‌های متفاوت، افراد خود را با ویژگی‌ها و هویت‌های مختلف می‌شناسند.

### نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان در کلاسی که به شش گروه تقسیم شده است، ارائه می‌شود. مطالب نقل شده، جمع‌بندی پاسخ سؤال در هر گروه است که توسط سرگروه به کلاس ارائه می‌شود.

#### قسمت اول

#### موقعیت کلاس

گروه ۱: درس خوان، کوشا

گروه ۲: درس خوان، بامزه، خندان، ساکت، سنگین، غمگین

گروه ۳: درس خوان، مؤدب

گروه ۴: درس خوان، باادب، پرجنب و جوش، فعال

گروه ۵: به موقع حرف زدن، با نشاط بودن، دقت داشتن

گروه ۶: با اخلاق، کوشا، با رفتار مناسب.

#### موقعیت بازار

گروه ۱: عادل، رو راست

گروه ۲: بی‌پول، صادق، ساده، چانه‌زن، گول نخور، پررو، خندان

گروه ۳: تماشاگر و بترین‌ها

گروه ۴: استقلال فکری، سلیقه، آداب معاشرت، اجتماعی بودن

گروه ۵: کنج‌کاو، سنگین، دقت در انتخاب، جلف، محتاط، تخفیف‌گیر

گروه ۶: باادب، سرسنگین، دقت در انتخاب.

### موقعیت خانه

- گروه ۱: حرف گوش کن، همیار، آرام، تابع
- گروه ۲: مظلوم، حق به جانب، باحال، شر، کوشا
- گروه ۳: حرف گوش کن، احترام به والدین
- گروه ۴: بادب، مهربان، زحمت کش، سازگار
- گروه ۵: بانشاط، همیار، ساکت و منزوی، غرغرو، بانمک، لجباز
- گروه ۶: به اثبات رساندن وجود خود.

### موقعیت مجلس عروسی

- گروه ۱: شادمان، مسرور، مرتب
- گروه ۲: رقااص، اجتماعی، شاد، خوشگل، سنگین، بایرستیز
- گروه ۳: شاد، مرتب، شیک پوش، خوش تیپ
- گروه ۴: شاد، پر جنب و جوش، با اعتماد به نفس بالا، اجتماعی، خوش تیپ
- گروه ۵: رقااص، پر خور، ساکت، آرام
- گروه ۶: با اخلاق، خوش ظاهر.

بعضی عبارتهایی که دانش آموزان به کار برده اند، از جهت انشایی اشکال دارد. لازم است در حاشیه‌ی بحث، معلم به اصلاح آن پردازد.

### قسمت ۲

#### کودکی

- گروه ۱: بچه، افکار محدود، خوش بودن (به دنیای کوچک و در دسترس)
- گروه ۲: شیطنت، بازی گوشی، فضولی، مظلومیت
- گروه ۳: بهانه گیر، مصر در خواسته‌ها، فضولی، شیرین زبانی
- گروه ۴: زود باور، ساده، کنجکاو، صادق
- گروه ۵: پر خور، لوس، کنجکاو، بازیگوش
- گروه ۶: شیطان، تو سری خور.

#### نوجوانی

- گروه ۱: مخالفت با بزرگ‌ترها در تفکر و رفتار

گروه ۲: ساده، سر به هوا، احساس مستقل بودن، احساساتی  
گروه ۳: مظلوم، کم حرف، احساس زشت بودن، حساس، پف دماغ، جوش  
درآوردن

گروه ۴: احساس دوگانگی شخصیت، استقلال فکری، خلاق بودن  
گروه ۵: غرور، زودرنجی، لجبازی، دل شکسته بودن، پرجوشی  
گروه ۶: تغییر هویت و پیدا کردن هویت ثابت.

### جوانی

گروه ۱: با ذهنی سرشار از چراهای مختلف، جست و جوی پاسخ‌های ذهنی،  
شناخت هویت خود

گروه ۲: ساده، عاشق، بی تجربگی، خامی، احساساتی  
گروه ۳: احساس مفید بودن، سنگین بودن، به آینده فکر کردن، بهترین بودن،  
کلاس گذاشتن، رئوف بودن

گروه ۴: استقلال کامل، قدرت برقراری ارتباط با دیگران، پویایی و تفکر،  
استدلال منطقی، شکل‌گیری هویت

گروه ۵: لجباز، آماده‌ی ازدواج، خودرأی، مشورت‌پذیر، انتخاب با تحقیق  
گروه ۶: تلاش برای رسیدن به هویت مستقل، هدفمند بودن در زندگی، تلاش  
برای رسیدن به هدف خود.

### قسمت سوم و چهارم

گروه ۱: خیر، انسان‌ها در شرایط مختلف سنی و موقعیت‌های اجتماعی براساس  
الگوهای عمل اطرافیان و جامعه‌ی خویش از نظر شخصیتی تغییر می‌کنند و ویژگی‌های  
مختلفی - تقریباً متضاد - از خود نشان می‌دهند.

گروه ۲: خیر؛ زیرا در هر شرایط، موقعیت و زمانی، هویت فرد فرق می‌کند.  
گروه ۳: خیر، هویت انسان در شرایط مختلف، مکان‌ها و زمان‌های مختلف  
قابل تغییر است.

گروه ۴: خیر، هویت ما در شرایط گوناگون سنی، محیطی، اجتماعی، مذهبی،  
سیاسی، هنری، ورزشی، اقتصادی، فرهنگی، ادبی، زمانی و... متفاوت خواهد بود.  
گروه ۵: خیر، انسان‌ها با قرار گرفتن در شرایط و موقعیت‌های مختلف و در هر

دوره‌ی سنی، هویت‌های خود را تغییر می‌دهند.

گروه ۶: خیر، در هر شرایط و موقعیت، ویژگی‌های مختلفی از خود نشان می‌دهیم. ما خود را از دو لحاظ می‌شناسیم: ظاهر و باطن. به وسیله‌ی هویت می‌توانیم بی‌به شخصیت‌های خود ببریم و خود را بشناسیم و با هدف در زندگی خود حرکت کنیم و هویت ثابتی برای خود برگزینیم و این هویت را باید در موقعیت‌ها و شرایط مختلف پیدا کنیم.

در پایان انجام دادن فعالیت، معلم ضمن پذیرش نتیجه‌گیری دانش‌آموزان، با استفاده از «شرایط مختلف» و «دوره‌های مختلف» که در متن فعالیت آمده است، بر مفهوم موقعیت به‌عنوان مفهومی که همه‌ی این حالات را دربر می‌گیرد، تأکید می‌کند. سپس رابطه‌ی موقعیت – هویت را به‌عنوان اصلی کلی مورد تأکید قرار می‌دهد.

#### ۴ – فعالیت میانی (فکر کنید و پاسخ دهید) و متن ذیل آن / روش: بحث گروهی

این فعالیت، با هدف شناخت اهمیت متفاوت موقعیت‌ها و دلیل «تفاوت میزان اهمیت آن‌ها» طراحی شده و دارای سه قسمت است. این فعالیت را هم می‌توان مشابه فعالیت قبلی با روش بحث گروهی انجام داد. در هر گروه، ابتدا به‌صورت انفرادی، به قسمت اول و دوم فعالیت، سپس، به‌صورت گروهی به قسمت سوم پاسخ می‌دهند. آن‌گاه، نتیجه توسط سرگروه‌ها به کلاس ارائه می‌شود. سپس بر مبنای پاسخ افراد، درباره‌ی دو مبنای میزان اهمیت موقعیت‌ها، یعنی افزایش امکان فعلیت بخشی و تحقق خود و تأکید جامعه، توسط معلم، نتیجه‌گیری می‌شود.

دقت داشته باشید، در قسمت سوم فعالیت، دلیل میزان اهمیت پرسش شده است نه دلایل اهمیت موقعیت. از این رو، اگر دلیل اهمیت موقعیت‌ها ذکر شود، اشتباه است. قبل از انجام دادن فعالیت، لازم است روی این موضوع تأکید شود. در ضمن، لازم نیست که گروه‌ها پاسخ همه‌ی اعضای خود را به قسمت ۱ و ۲ ارائه دهند بلکه ارائه‌ی پاسخ‌های یکی از اعضا یا گزینشی از آن‌ها کافی است.

#### نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان در کلاسی دخترانه که به شش گروه تقسیم شده

است، ارائه می‌شود. مطالب نقل شده، جمع‌بندی پاسخ سؤال در هر گروه است که توسط سر گروه به کلاس ارائه می‌شود.

### قسمت اول و دوم

#### گروه ۱

قسمت اول – انتخاب پنج موقعیت	قسمت دوم – میزان اهمیت موقعیت
دانش آموز بودن	زیاد
اشتغال در فعالیت‌های فرهنگی	کم
فرزند خانواده‌ی خوب بودن	زیاد
به سفر رفتن و بازدید از آثار باستانی	کم
به دنیا آمدن در خانواده‌ای مسلمان	زیاد

#### گروه ۲

قسمت اول – انتخاب پنج موقعیت	قسمت دوم – میزان اهمیت موقعیت
از دست دادن فردی عزیز	زیاد
قرار گرفتن در جمع دانش‌آموزی	متوسط
امتحان دادن	زیاد
سفر کردن	متوسط
تغییر محل زندگی	زیاد

#### گروه ۳

قسمت اول – انتخاب پنج موقعیت	قسمت دوم – میزان اهمیت موقعیت
پشت کنکوری بودن	زیاد
شرکت در جشن تولد یک دوست	زیاد
گردش و تفریح با دوستان	زیاد
شرکت در عزاداری	متوسط
سخنرانی کردن در کلاس	زیاد

### گروه ۴

قسمت اول – انتخاب پنج موقعیت	قسمت دوم – میزان اهمیت موقعیت
خرید کردن	کم
مسافرت	کم
داشتن بیماری حاد	زیاد
مرگ یکی از نزدیکان	زیاد
عروسی رفتن	کم

### گروه ۵

قسمت اول – انتخاب پنج موقعیت	قسمت دوم – میزان اهمیت موقعیت
مجلس خواستگاری	متوسط
رزمی کار بودن	زیاد
شرکت در کلاس زبان	کم
معرف کاری	زیاد
تغییر محل زندگی	زیاد

### گروه ۶

قسمت اول – انتخاب پنج موقعیت	قسمت دوم – میزان اهمیت موقعیت
تحصیل کردن	زیاد
پشت کنکوری بودن	زیاد
تصمیم گیری برای انتخاب رشته ی تحصیلی	زیاد
دانش آموز بودن	متوسط
شرکت در کلاس زبان	کم

### قسمت سوم – دلیل تفاوت در میزان اهمیت

گروه ۱: موقعیت ها از نظر درجه ی اهمیت متفاوت اند؛ چون نتایج و آثارشان

متفاوت است. برخی بیش‌تر و برخی کمتر مؤثرند؛ مثلاً داشتن شغل و ازدواج خیلی مهم‌تر از موقعیت‌هایی مثل سفر و شرکت در کلاس‌های خاص برای پر کردن اوقات فراغت است. البته برخی موقعیت‌ها هم هر دو حالت را شامل می‌شود.

**گروه ۲:** چون بعضی موقعیت‌ها آن قدر مهم‌اند که سرنوشت آدم‌ها به آن‌ها وابسته است ولی بعضی نه؛ مثلاً دانش‌آموز بودن؛ اگر این موقعیت را از دست بدهیم، آینده‌مان به کلی تغییر می‌کند و ازدواج، اشتغال و همه‌ی موقعیت‌های مهم دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

**گروه ۳:** چون بعضی موقعیت‌ها وسیله‌ای برای رسیدن به موقعیت‌های بهتر و ایده‌آل‌ترند ولی برخی این ویژگی را ندارند؛ مثلاً دانش‌آموز بودن وسیله‌ای برای وارد شدن به دانشگاه و دانشگاه وسیله‌ای برای دست‌یابی به شغل است.

**گروه ۴:** چون برخی موقعیت‌ها گذرایند ولی برخی پایدارترند و در نتیجه، تأثیرشان بر سرنوشت آدم‌ها بیش‌تر است؛ مثلاً سفر کردن و پر کردن اوقات فراغت با کلاس‌های تابستانی گذرایند ولی موقعیت جوانی را از دست دادن و دست‌خالی به بزرگ‌سالی رسیدن زندگی و سرنوشت آدم‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

**گروه ۵:** اهمیت موقعیت‌ها به کاربردشان در زندگی بستگی دارد. برخی در زندگی ما کاربرد بیش‌تر و نتیجه‌ی مؤثرتری دارند ولی برخی کمتر؛ مثلاً موقعیت‌هایی مثل تحصیل کردن برای تمام موقعیت‌های بعدی (اقتصادی، اجتماعی و...) کاربرد دارد ولی برخی موقعیت‌ها مثل دوستی یا سینما رفتن فقط کاربرد روانی، عاطفی و تفریحی برای زمان حال ما دارد.

**گروه ۶:** اهمیت موقعیت‌ها علاوه بر کاربرد و تأثیرشان، به تنوع‌بخشی و لذت‌بخشی آن‌ها برای افراد نیز مرتبط‌اند؛ مانند سفر که موقعیتی گذراست و خیلی سرنوشت‌ساز نیست اما برای انسان لازم است و باعث بالا رفتن روحیه‌ی آن‌ها برای ادامه‌ی زندگی می‌شود.

در ادامه‌ی پاسخ‌های نمونه‌ی فوق، معلم می‌تواند با طبقه‌بندی پاسخ به قسمت سوم، به شکل زیر درباره‌ی دو اصل موردنظر این قسمت (تحقق‌بخشی خود و تأکید جامعه) با استفاده از چند پرسش، نتیجه‌گیری کند.



**معلم:** شما در پاسخ به قسمت سوم (دلیل اهمیت متفاوت موقعیت‌ها) درباره‌ی با اهمیت بودن یک موقعیت، به این موارد اشاره کردید: نتایج و آثار بیش‌تر یک موقعیت برای زندگی فرد، وابستگی سرنوشت فرد به آن، از دست دادن آینده در صورت عدم توجه به آن، تحت الشعاع قرار گرفتن سایر موقعیت‌ها، وسیله‌ای برای دستیابی به موقعیت‌های دیگر، پایداری یک موقعیت، کاربرد بیش‌تر در زندگی و لذت‌بخشی آن.

اما اگر از شما سؤال شود که چگونه به نتایج بیش‌تر یا تأثیر یک موقعیت در سرنوشت خود آگاه می‌شوید، چه پاسخی خواهید داد؟

—  
—  
—

**پاسخ درست:** شناخت افراد از محیط و خودشان از دو طریق عمده انجام می‌شود: تجربه و آموزش (جامعه‌پذیری)؛ بر این اساس، می‌توان گفت اطلاع از اهمیت یک موقعیت نیز به همین طریق برای افراد مشخص می‌شود. یا افراد در آن موقعیت‌ها قرار می‌گیرند و اهمیت آن را درمی‌یابند یا این‌که در جریان تعامل با دیگران می‌فهمند و می‌آموزند که یک موقعیت چه قدر اهمیت دارد.

**معلم:** البته باید توجه داشت که صرف قرار گرفتن در موقعیت، اهمیت آن را نشان نمی‌دهد بلکه زمانی یک موقعیت برای فرد اهمیت می‌یابد که فرد احساس کند در آن موقعیت به شناخت جدیدی از خود دست می‌یابد؛ می‌تواند خودش را به دیگران بشناساند و دیگران او را با ویژگی مثبتی خواهند شناخت. این مطلبی است که کتاب از آن با عنوان «فعلیت بخشیدن و تحقق خود» یاد کرده است. همچنین باید بدانید که حتی اگر جامعه بر اهمیت یک موقعیت تأکید کند اما افراد نتوانند در آن موقعیت به خود فعلیت ببخشند، آن موقعیت به تدریج اهمیّتش را از دست خواهد داد.

در ادامه، معلم می‌تواند سطح یادگیری را با طرح چند نمونه و پرسش درباره‌ی اهمیت آن و نسبتش با فعلیت بخشی به خود تعمیق بخشد؛ مثال: شغل و ازدواج. این بررسی می‌تواند به‌طور ضمنی نگرش مثبت به این امور را نیز تقویت کند.

## ۵- تدریس متن ذیل عنوان فرعی (ص ۷) / روش: پرسش و پاسخ

### روش پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ، روشی است که معلم به وسیله‌ی آن، دانش‌آموز را به تفکر درباره‌ی مفهومی جدید یا بیان مطلبی تشویق می‌کند. در این روش، دانش‌آموز تلاش می‌کند با کوشش‌های ذهنی، از معلوم به مجهول حرکت کند. معلم در این روش هنگام جلب توجه دانش‌آموز به مطلب یا درس جدید و تدریس آن، به‌طور مستقیم به بیان مطالب نمی‌پردازد بلکه با طرح سؤال‌های برنامه‌ریزی شده، فعالیت ذهنی دانش‌آموزان را در مسیر مطالعه و مفاهیم جدید قرار می‌دهد و آن را هدایت می‌کند تا خودشان به کشف مفاهیم جدید توفیق یابند. این روش، برای مرور مطالبی که قبلاً آموخته شده است یا ارزش‌یابی میزان درکی که دانش‌آموزان از مفهوم درس دارند و برای پرورش قدرت تفکر و استدلال آن‌ها، روش بسیار مؤثری است اما سؤال‌ها باید با توجه به زمینه‌های علمی دانش‌آموزان و به‌گونه‌ای باشد که توجه آنان را برانگیزد و ذهن را به حرکت درآورد. در کلاس‌های پرجمعیت، معلم باید ترتیبی اتخاذ کند که همه‌ی دانش‌آموزان در جریان فعالیت‌های آموزشی قرار گیرند و فعالانه به اندیشه و پرسش و پاسخ بپردازند. از طرفی، معلم باید به دانش‌آموزان برای تفکر، تأمل و پاسخ دادن فرصت کافی بدهد.

روش پرسش و پاسخ بر سه اصل متکی است: ۱- وجود سؤال یا مسئله، ۲- طرح سؤال‌های متوالی برای تداوم فعالیت‌های ذهنی توسط معلم و دانش‌آموزان و ۳- هدایت تلاش ذهن، برای کشف آگاهانه‌ی مسئله به‌گونه‌ای که نتیجه‌ی آن، به خلاقیت فکری و کسب دانش منجر شود.

### مراحل تدریس

— انتخاب عنوان توسط معلم: معلم در این مرحله، سؤال را روی تخته سیاه می‌نویسد. موفقیت این روش اغلب به سؤالاتی بستگی دارد که معلم در پی یک‌دیگر مطرح می‌کند. معمولاً معلمان برای تشویق دانش‌آموزان و درگیر شدن آن‌ها با درس برای ورود به بحث، ابتدا از سؤالات پیش‌پا افتاده یا از سؤالاتی که همه‌ی دانش‌آموزان پاسخ آن‌ها را می‌دانند، شروع می‌کنند. سپس، نوبت به سؤالاتی می‌رسد که به سطوح

شناختی و ادراکی عمیق‌تر و وسیع‌تری نیاز دارند.

— ارائه‌ی پاسخ از سوی دانش‌آموزان: اگر دانش‌آموزان، آمادگی ذهنی کاملی درباره‌ی موضوع نداشته باشند، می‌توان به آن‌ها فرصتی داد تا درباره‌ی موضوع فکر کرده یا اطلاعاتی جمع‌آوری کنند و در یک زمان معین (مثلاً جلسه‌ی بعدی) بحث و گفت‌وگو صورت گیرد.

— نتیجه‌گیری: در این مرحله، نکات مهم سؤالات دوباره مرور شده و این موارد بر روی تخته‌ی کلاس یادداشت می‌شود. نکات مثبت و منفی را می‌توان در تخته دسته‌بندی کرد. دانش‌آموزان باید تشویق شوند تا نتیجه‌گیری را خود انجام دهند و با توجه به نکاتی که روی تخته نوشته شده است، تعمیم‌هایی به عمل آورند.

### چک‌لیست برای ارزش‌یابی

نام دانش‌آموز	مشارکت	پاسخ درست	سؤالات مناسب	استدلال منطقی	حاشیه‌رویی	عدم	گوش دادن	رعایت نظم	رعایت زمان	نتیجه‌گیری
۱-										
۲-										
۳-										
۴-										
۵-										
...										
<p>نمرات به صورت پنج درجه‌ای، یعنی خیلی ضعیف (۱)، ضعیف (۲)، متوسط (۳)، خوب (۴) و خیلی خوب (۵)، ارزیابی می‌شوند.</p>										

در این قسمت، دو مطلب ارائه می‌شود: ۱- تأکید بر ویژگی‌ها در موقعیت‌های متعدد و نقش آن در دوام و اهمیت هویت، ۲- ماندگاری در یک موقعیت (عمدتاً یک نقش) و تأثیر آن در ماندگاری و اهمیت هویت. برای تدریس آن می‌توان از روش پرسش و پاسخ استفاده کرد.

پرسش و پاسخ را می‌توان در دو قسمت سازمان داد. در قسمت اول – که محور اول متن را پوشش می‌دهد – معلم فهرستی از موقعیت‌هایی که در آن، ویژگی‌های مختلفی مورد تأکید قرار می‌گیرد، تهیه می‌کند؛ در همه‌ی آن‌ها یک ویژگی تکرار می‌شود ولی ویژگی‌های دیگر تکرار نمی‌شوند. آن‌گاه از دانش‌آموزان می‌خواهد با مرور این موارد، به این سوالات پاسخ دهند:

– کدام ویژگی‌ها در همه‌ی موارد تکرار شده است؟

– در صورتی که ویژگی‌های عنوان شده به صورت هویت افراد درآید، فکر می‌کنید

کدام هویت پایدارتر است؟ ویژگی تکرار شده یا غیر تکراری؟ چرا؟

یک نمونه از موقعیت‌ها

موقعیت‌ها	ویژگی‌های مورد تأکید
بدو تولد کودک	پسر یا دختر بودن / زشت یا زیبا بودن
داوری درباره‌ی نوع لباس	پسرانه یا دخترانه / ساده یا تجملی / مد روز یا از مد افتاده
داوری درباره‌ی نوع آرایش	دخترانه یا پسرانه / زشت یا زیبا
داوری درباره‌ی نوع مدرسه	دخترانه یا پسرانه / دولتی یا غیردولتی / دارای کادر با تجربه یا دارای کادر غیرمغرب

در همه‌ی این موقعیت‌ها، ویژگی جنسیتی دختر و پسر تکرار شده است. تکرار این ویژگی در موقعیت‌های مختلف سبب می‌شود تا هویتی که با آن شکل می‌گیرد، نسبت به سایر هویت‌ها بادوام‌تر و مهم‌تر باشد.

برای تدریس قسمت دوم، مجدداً فهرستی از موقعیت‌ها به دانش‌آموزان ارائه می‌شود که در بعضی از آن‌ها، افراد بخش زیادی از عمر خود را سپری می‌کنند و در بعضی به‌طور موقتی و در دوره‌ای کوتاه قرار می‌گیرند. آن‌گاه خواسته می‌شود تا به این سؤال پاسخ دهند:

– ویژگی‌های مورد تأکید در کدام موقعیت‌ها به صورت هویت‌های پایدارتر

در می‌آیند؟ چرا؟

اشتغال (معلمی، مهندسی و...) و نقش‌های خانوادگی (پدر، مادر) از جمله موقعیت‌هایی‌اند که افراد، تمام عمر یا بخش زیادی از عمرشان را در آن سپری می‌کنند؛ درحالی که شرکت در کنکور، دانشجو بودن و نمایندگی مجلس، موقعیت‌هایی موقتی است.

بعد از پاسخ به این سؤالات، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا نتیجه‌ای را که به‌دست آورده‌اند، در قالب دو اصل (جمله) بیان کنند؛ مانند عبارتهای زیر:

– تأکید بر یک ویژگی در موقعیت‌های زیاد، موجب دوام هویت شکل‌گرفته‌ی حول آن می‌شود.

– ویژگی‌های مربوط به موقعیت‌هایی که فرد مدت زیادی از عمر خود را در آن سر می‌کند، تبدیل به هویت‌های بادوام فرد می‌شود.

## ۶- انتخاب عنوان فرعی / روش: بارش مغزی

۱- انتخاب عنوان فرعی، بعد از مطالعه‌ی متن ذیل آن و تدریس، انجام می‌شود.

۲- از بین عنوان‌های پیشنهادی دانش‌آموزان، لازم است موارد اشتباه توسط معلم مشخص شده، سپس از بین بقیه‌ی موارد، بهترین عنوان یا عنوان‌ها انتخاب شود. ملاک درست یا غلط بودن عنوان پیشنهادی، تناسب آن با مفهوم یا مفاهیم کلیدی متن ذیل است. در انتخاب بهترین عنوان، علاوه بر تناسب با متن ذیل عنوان، میزان تناسب و سلاست آن از جهت ادبی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

### نمونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان

۱- موقعیت‌های مهم و هویت

۲- ارتباط میان هویت و موقعیت‌ها

۳- ویژگی‌های مهم هویت

۴- ویژگی‌های بادوام‌تر هویت

۵- هویت‌های بادوام

۶- هویت‌های مهم.

از بین ۶ عنوان پیشنهادی، موارد ۱ و ۲ اشتباه است؛ زیرا این‌ها مطالبی است که در قسمت‌های قبلی بحث شده است و موضوعی که ذیل این عنوان آمده، دوام ویژگی‌ها یا هویت‌های باثبات‌تر است. چهار عنوان پیشنهادی دیگر با این محتوا سازگاری دارد. عنوان ۵ و ۶ می‌تواند بهترین عنوان‌ها باشد.

## ۷- فعالیت پایانی (فکر کنید و پاسخ دهید) / روش: بحث گروهی

فعالیت دارای سه قسمت است. در قسمت اول، دانش‌آموزان می‌توانند یکی از موقعیت‌ها را انتخاب کنند و به سه سؤال درباره‌ی آن پاسخ دهند. با توجه به این که دو فعالیت قبلی هم به صورت گروهی انجام شده است، در این مورد نیز می‌توان از همان روش استفاده کرد. بعد از گروه‌بندی، هریک از موقعیت‌ها را به یک گروه واگذار کنید تا بعد از بحث، به سه سؤال پاسخ دهند. در مورد قسمت ۲ و ۳ نیز می‌توان از همین روش استفاده کرد.

### پاسخ درست

#### قسمت اول

**پاسخ سؤال ۱:** موقعیت‌های ذکر شده، هریک به درجه‌ای در فعلیت بخشیدن به خود نقش دارند اما نوع تأثیر آن‌ها تابعی است از وضعیت فرد؛ برای مثال، کودکی که از بسیاری از امکانات زندگی محروم است در مقایسه با کودکی که در خانه‌ای مرفه زندگی می‌کند و از امکانات زیادی برای تحقق خود برخوردار است، ممکن است وارد شدن به مدرسه موجب شکوفایی و فعلیت بخشیدن به وجوه بیش‌تری از وی شود. برای کودک متعلق به خانواده‌ی اول، مدرسه موقعیت بسیار مهم‌تری برای فعلیت بخشیدن به خود است. درباره‌ی سایر موقعیت‌ها نیز این اصل صادق است؛ مثلاً، اعضای خانواده‌ای که امکان مسافرت برای آن‌ها محدود است، سفر به یک شهر زیارتی یا مناطق تفریحی در فعلیت بخشیدن به خود، تأثیری متفاوت دارد تا خانواده‌ای که فرزندان وی از ابتدای زندگی خود، هر سال به سفر رفته‌اند.

**پاسخ سؤال ۲:** شکست در این موقعیت‌ها، پیامدهای متفاوتی برای افراد دارد. این پیامدها از یک مؤلفه‌ی اصلی، یعنی ویژگی‌های روانی و شخصیتی افراد، تأثیر می‌پذیرد.

از جهت ویژگی‌های روانی و شخصیتی، پیامدهای شکست در موقعیت‌ها را می‌توان در طول طیفی از انفعال تا فعال شدن خود، طبقه‌بندی کرد. ممکن است فرد با شکست در یک فعالیت دسته‌جمعی، راه‌گوشه‌گیری، بدبینی به این نوع فعالیت‌ها و... در پی بگیرد یا بالعکس، موجب برانگیختن فرد برای فعالیت بیش‌تر و خود شکوفایی بیش‌تری شود؛ بنابراین، انتظار می‌رود در بحث‌های گروهی، حالت‌های مختلفی ذکر شود که معلم می‌تواند آن‌ها را در طول این طیف طبقه‌بندی کند.

مؤلفه‌ی دوم، اهمیت موقعیت است. هرچه موقعیت مهم‌تر باشد، پیامدهای آن، چه به فعال شدن فرد منجر شود و چه وی را منفعل سازد، با شدت بیش‌تری رخ خواهد داد؛ بنابراین، انتظار می‌رود با افزایش اهمیت، واکنش فرد شدیدتر باشد.

**پاسخ سؤال ۳:** به اقتضای شرایط، می‌تواند هر دو حالت درست باشد؛ تأکید جامعه، فعلیت بخشی به خود یا هر دوی آن‌ها؛ بنابراین، در بحث‌های گروهی هر یک از این موارد که به‌صورت مستدل ارائه شود، قابل قبول خواهد بود.

### قسمت دوم

شغل یکی از موقعیت‌های مهم و بادوام است. اهمیت آن از آن جهت است که امکان زیادی برای فعلیت بخشیدن به خود فراهم می‌کند؛ از این‌رو، انتظار می‌رود نداشتن شغل ثابت، نتایج متعارضی برای فرد در پی داشته باشد. اگر بپذیریم که هر شغلی راه را برای تحقق بخشی به خود فراهم می‌کند، بنابراین، می‌توان گفت که تغییر شغل یا تعدد آن، امکان‌های بیش‌تری برای فعلیت بخشی به خود فراهم می‌کند؛ برای مثال، اگر کسی به ترتیب شغل‌های بنایی، بقالی و آرایشگری را تجربه کند، ممکن است هر یک از آن‌ها به شکوفایی و جوهی از استعدادهای فرد منجر شود اما عدم تداوم در این موقعیت‌ها و عدم ثبات شغل، سبب می‌شود تا فرد هویت بادوام و باثباتی نداشته باشد و از این جهت، دچار مشکل شود. همچنین ممکن است ایفای نقش در شغل‌های مختلف مستلزم انجام دادن اموری باشد که با هم ناسازگارند که این امر سبب شکل‌گیری تعارض‌هایی در فرد می‌شود که به نوبه‌ی خود از شکل‌گیری هویتی بادوام جلوگیری می‌کند.

البته نباید تغییر شغل را با نداشتن شغل ثابت، یکی انگاشت. اگر فردی برای چند سال در یک شغل فعالیت کند و در آن شغل، موفقیت‌هایی کسب کند، سپس

آگاهانه شغل دیگری را انتخاب کند و امکان‌های جدیدی برای فعلیت بخشیدن به خود فراهم کند، این تغییر را باید امری مثبت تلقی نمود که به شکوفایی بیش‌تر خود منجر می‌شود و مانع تصلب خود در یک وضعیت می‌شود.

### قسمت سوم

در گذشته فرض بر این بود که انسان‌ها دارای مزاج‌اند و رفتارهای هر فردی متأثر از مزاج یا مزاج‌های اوست. همچنین، فرض بر این بود که هر فردی دارای چهار مزاج اصلی است که در کل یا بخش‌هایی از زندگی او یکی از این مزاج‌ها بر دیگر مزاج‌های او غلبه پیدا می‌کند و رفتار او متأثر از آن مزاج است. دمدمی مزاج به کسی گفته می‌شد که هر لحظه یکی از مزاج‌های او غالب می‌شد. به همین دلیل، رفتار او قابل پیش‌بینی نبود.

امروزه که ما از هویت و انواع آن سخن می‌گوییم، رفتار چنین افرادی را می‌توان بر این مبنا توضیح داد که در آن‌ها، هویت با دوامی شکل نگرفته است و این گونه افراد بر مبنای موقعیت‌ها و به صورت لحظه‌ای تصمیم می‌گیرند. از این مطلب می‌توان این نتیجه‌گیری را هم داشت که اطلاع از چگونگی هویت افراد، ما را در پیش‌بینی رفتار آن‌ها کمک می‌کند.

## ۸ - مفاهیم کلیدی

موقعیت، موقعیت‌های مهم، هویت، هویت‌یابی، هویت‌های پایدار

از بین این مفاهیم، مفاهیم موقعیت، هویت و هویت‌یابی، مفاهیم محوری‌اند؛ زیرا کل درس حول این مفاهیم، سازمان یافته‌اند. اهمیت موقعیت، تکرار یک ویژگی در موقعیت‌های زیاد و قرار داشتن در یک موقعیت برای مدت زمانی طولانی، مفاهیمی‌اند که حول این مفهوم اصلی، تفاوت در هویت‌یابی را توضیح می‌دهند، فعلیت بخشی به خود و تأکید جامعه نیز دو معیاری است که بر مبنای آن می‌توان اهمیت موقعیت‌ها را ارزیابی کرد.

## ۹ - خلاصه‌ی درس

فرد خود را در موقعیت می‌شناسد و می‌شناساند؛ بنابراین، می‌توان گفت که موقعیت‌ها در شکل‌گیری هویت ما مؤثرند. موقعیت‌ها از جهت اهمیت با هم تفاوت دارند؛ به همین دلیل، تأثیر آن